

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هفتم، شماره‌ی بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۵، صص ۸۵-۱۰۳

تاریخ‌نگاری شیعیان امامی مذهب در آغاز دوره‌ی غیبت کبری (نمونه موردی: تثبیت نظریه وجود و غیبت امام زمان (عج))

لیلا نجفیان رضوی*

چکیده

علما، اندیشمندان و بزرگان امامی مذهبی از ابتدای امر غیبت تاکنون، با روش‌های مختلف به رفع شبهات و تثبیت نظریه‌ی وجود و غیبت امام عصر (عج) پرداخته‌اند. در این میان چهار اثر *الغیبه نعمانی*، *کمال‌الدین صدوق*، *ارشاد مفید* و *الغیبه طوسی* که در اولین سده‌ی پس از آغاز غیبت کبری، به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند، در تثبیت این نظریه نقش بسزایی داشته‌اند. در پژوهش حاضر چگونگی کوشش برای تبدیل نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان (عج)، به تصویری اجتماعی با تکیه بر منابع یاد شده و با استفاده از رویکرد نظریه‌ی تحلیل گفتمان و اصطلاحات تخصصی نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه مورد بررسی قرار گرفته‌است. براساس بررسی انجام شده، مؤلفان این آثار با جایگزین نمودن دال خالی غیبت به جای دال مرکزی گفتمان تشیع امامی (ائمه) و مفصل‌بندی وقته‌هایی حول محور این دال، پس از گذشت بیش از یک قرن به تدریج توانستند از نظریه‌ی وجود و غیبت دوازدهمین امام شیعیان امامی تصویری اجتماعی ایجاد کنند. در نتیجه به سهم خود در رفع بحران ایجاد شده در گفتمان تشیع امامی و باور امروز شیعیان امامی به غیبت دوازدهمین امام‌شان و شناخت آنان با شاخصه‌ی «منتظر» بودن، تأثیرگذار باشند.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌نگاری شیعیان امامی، *الغیبه نعمانی*، *کمال‌الدین صدوق*، *ارشاد مفید*، *الغیبه طوسی*، غیبت کبری.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد ایمیل: najafian@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۸

مقدمه

اگر تاریخ‌نگاری را در معنای بسیط آن در نظر گرفته و هر متن دارای گزارش تاریخی در نوشته‌های شیعیان امامی را متنی تاریخ‌نگارانه قلمداد کنیم، آنگاه می‌توانیم از تأثیر تاریخ‌نگاری شیعیان امامی - بخصوص در سده‌ی نخست پس از آغاز غیبت کبری - در تثبیت نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان (عج) سخن به میان آوریم. در واقع می‌توان گفت اگرچه نواب اربعه، نخستین افرادی بودند که کوشش برای تثبیت نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان (عج) را آغاز کردند و دستیابی به این مهم را در رأس فعالیت‌های خود قرار دادند، با این حال متون تاریخی مختلف نگاشته شده توسط متکلمان و محدثان امامی دوره‌ی غیبت صغری و فقیهان و متکلمان برجسته‌ی شیعه در آغاز دوره‌ی غیبت کبری، در دستیابی گفتمان تشیع امامی به تصویری اجتماعی از این نظریه تأثیر فراوانی داشته‌اند. با وجود این، نقش بلامنازع و انجام تحقیقات متنوع علمی درخصوص آثاری همچون متون الغیبه^۱ (آثار نعمانی و طوسی)، کمال‌الدین^۲ و الارشاد^۳، بررسی نقش این بزرگواران در تثبیت نظریه‌ی یاد شده با مطالعه‌ی متن محور از نظر دور مانده است.

در مقاله‌ی حاضر کوشش شده است تا با تکیه بر چهار منبع یاد شده، استفاده از

۱. به عنوان نمونه نک: مرتضی نادری، «اعتبار و تداول کتاب الغیبه نعمانی»، سفینه، س ۱۰، ش ۳۷، زمستان ۱۳۹۱؛ مهدی حسینیعلی، «کتاب الغیبه»، کتاب ماه دین، ش ۱۳۸، فروردین ۱۳۸۸، و نیز مجموعه مقالاتی که محمد جواد شبیری زنجانی با عنوان کلی «نعمانی و مصادر غیبت» در مجله انتظار موعود منتشر نموده‌است. همچنین در بخش کلیات کتاب تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، این دو اثر و نیز کتاب کمال‌الدین به صورت بسیار فشرده معرفی شده‌اند. مصطفی صادقی (۱۳۸۵)، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۱-۲۴.

۲. به عنوان نمونه نک: نعمت‌الله صفری فروشانی، «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق (ره)»، فصلنامه تاریخ‌پژوهان، س ۳، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۶.

۳. نعمت‌الله صفری فروشانی، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۵، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۶؛ نعمت‌الله صفری فروشانی، «الارشاد و تاریخ‌نگاری زندگانی ائمه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۶، ش ۲۲، ۱۳۸۷؛ قاسم خانجانی (۱۳۹۲)، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

رویکرد نظریه‌ی تحلیل گفتمان و بهره‌گیری از اصطلاحات تخصصی نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه، چگونگی کوشش این مؤلفان برای تبدیل نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان (عج) به تصویری اجتماعی در قالب نگارش متون روایی - تاریخی در سده‌ی نخست پس از آغاز غیبت کبری مورد بررسی قرار گیرد. برای رسیدن به این منظور کوشش شده است تا بر اساس محتوای روایات موجود در این آثار و دغدغه‌ی مؤلفان آنها، روایات دارای محتوای مشترک، دسته‌بندی شده و نشان داده شود که چگونه گزینش آگاهانه و نقل این روایات در کنار یکدیگر به تثبیت برخی وقته‌های جدید حول محور دال مرکزی غیبت یاری رسانده‌اند.

رویکرد نظری پژوهش

لاکلا و موفه با بازخوانی و ساختارشکنی نظریات فوکو و...، نظریه‌ی گفتمان را ارائه داده‌اند که بسیار پرکاربرد است. آنها گفتمان^۱ را مجموعه‌ای از نشانه‌ها تعریف می‌کنند^۲ که در درون یک گفتمان خاص، به واسطه‌ی فرایند مفصل‌بندی^۳ با یکدیگر جوش می‌خورند.^۴ در این نظریه، دال‌ها؛^۵ اشخاص، مفاهیم، عبارات و... هستند که در چارچوب گفتمانی خاص، بر معنایی خاص دلالت دارند^۶ و دالی که سایر دال‌ها در پیوند با آن معنا می‌یابند، دال مرکزی^۷ نامیده می‌شود. وقته‌ها^۸ دال‌هایی هستند که حول دال مرکزی گرد می‌آیند. در نظریه‌ی لاکلا، غیریت^۹ (خصومت)^{۱۰} به رابطه‌ی یک پدیده با چیزی بیرون از آن اشاره دارد که در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است که به

1. discourse

۲. دیوید هوارث، «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، ش ۲، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳.

3. articulation

۴. «نظریه گفتمان»، ص ۱۶۳.

5. signifier

۶. ماریان یورگنسن (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی، ص ۹۳.

7. nodal point

8. moment

9. otherness

10. antagonism

اشکال مختلف در عرصه‌ی منازعات گفتمانی ظاهر می‌شوند و با برجسته‌سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب، گفتمان مورد نظر را یاری می‌رسانند.

مفهوم بی‌قراری و ازجاشدگی^۱، حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت در جامعه است که به فروپاشی نظم گفتمان موجود تمایل دارد و لاکلا برای اشاره به بحران‌هایی که هژمونی گفتمان‌ها را به چالش می‌کشند، از آن استفاده می‌کند. در نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه، نظریه یا اسطوره‌های^۲ اجتماعی و سیاسی نیز ثمره‌ی بی‌قراری‌های ساختاری‌اند. نظریه نوعی تبیین شرایط بی‌قراری اجتماعی است و در پی آن است که پاسخی مناسب برای بحران‌های موجود ارائه کند. نظریه‌ها به بازسازی آرمانی فضای اجتماعی می‌پردازند و از راه مفصل‌بندی دوباره‌ی نیروها و نشانه‌های ناپایدار، به دنبال ایجاد یک عینیت اجتماعی^۳ جدید هستند. به نظر لاکلا برای بازنمایی و تبیین یک فضای اجتماعی، نیاز به ایجاد فضایی است که به ناچار وجهی استعاری و اسطوره‌ای دارد؛ اما اسطوره در سطح تقاضای یک گروه یا طبقه مطرح است و بخشی از جامعه را نمایندگی می‌کند. درحالی‌که تصور اجتماعی، که لاکلا آن را از مفهوم اسطوره جدا می‌کند، عمومیت یافته و با عام‌گرایی، نمایندگی بخش‌های مختلف جامعه را برعهده می‌گیرد. پس مفهوم تصور اجتماعی به این اشاره دارد که گفتمان، هژمونیک شده و بر افق ذهن مردم مسلط شده است.^۴

لاکلا و موفه برای توضیح چگونگی تبدیل یک اسطوره به یک گفتمان مسلط یا تصور اجتماعی، از دو مفهوم قابلیت دسترسی^۵ و قابلیت اعتبار استفاده می‌کنند. قابلیت دسترسی، خود دو جنبه دارد: اول اینکه ادبیات و مفاهیم آن گفتمان، ساده و همه‌فهم باشد و یا به زبان ساده و همه‌فهم بیان شود و دوم اینکه در شرایطی، در دسترس افکار عمومی قرار گیرد که گفتمان دیگری به عنوان رقیب به شکل هژمونیک در عرصه‌ی رقابت حضور

1. dislocation

2. myth

۳. آن دسته از گفتمان‌هایی که چنان تثبیت شده‌اند، که تصادفی بودن‌شان فراموش شده است را گفتمان‌های

عینی می‌گویند. عینیت گفتمانی رسوب یافته است. نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ص ۷۳-۷۲.

۴. سید محمدعلی حسینی‌زاده (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید، ص ۳۴-۳۳.

5. availability

تاریخ‌نگاری شیعیان امامی مذهب در آغاز دوره‌ی غیبت کبری ۸۹

نداشته باشد. به عبارت دیگر، گفتمان مورد نظر در افکار عمومی به عنوان در دسترس‌ترین جایگزین برای گفتمان موجود و رهایی از شرایط بحران شناخته شود. این اصل که گفتمانی در شرایط بی‌قراری فراگیر، خود را قادر به برقراری نظم نشان دهد، به پذیرش آن کمک می‌کند.

این امر که اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول بنیادین جامعه ناسازگار باشد، دومین مفهومی است که به چگونگی تبدیل اسطوره به تصور اجتماعی یا همان قابلیت اعتبار می‌پردازد. هرچه جامعه یا گروه بی‌قرارتر باشد، اصول بنیادین آن پراکنده‌تر و شکننده‌تر است. بنابراین، اگر اصولی مانده باشد که گروه را منسجم و مشخص سازد، گفتمان‌های جدید نمی‌توانند با آنها از در ستیز وارد شوند؛ چراکه جوامع به ندرت دچار فروپاشی کامل می‌شوند و همواره اصول عامی وجود دارد که مورد پذیرش اکثریت جامعه است.^۱

لاکلا در آثار اخیر خود برای توضیح روند استعاری شدن یک اسطوره، از مفهوم دال‌های خالی^۲ بهره گرفته‌است. دال خالی، بیانگر یک خلأ در فضای اجتماعی است و نشان از امری غایب دارد. وظیفه‌ی دال خالی بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است^۳ و جایگزین دال مرکزی می‌شود.

با توجه به مفاهیم فوق و قابلیت تبیینی بالای نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه، پس از مروری بر شرایط گفتمان تشیع با آغاز دوره‌ی غیبت، نحوه‌ی گزینش هوشمندانه‌ی روایات توسط مؤلفان شیعی و تدوین آثاری با محوریت موضوع غیبت، به منظور برون‌رفت گفتمان تشیع امامی از بی‌قراری ایجاد شده در آغاز دوره‌ی غیبت کبری و کوشش برای تثبیت نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان(عج)، با تطبیق این نظریه بر نحوه‌ی عمل مؤلفان امامی

1. Laclau, E, (1990), *New Reflections on Revolution of our Time*, London: Verso, P. 66.

به نقل از اسلام سیاسی در ایران، ص ۳۸-۳۶.

2. Empty signifiers

3. Laclau, (Ed), (1994), *The Marking of Political Identities*, London: verso, p. 49.

به نقل از محمدسالار کسرائی، علی پوزش شیرازی، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۳۵۵.

مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. بدین منظور نحوه‌ی تعریف نشانه‌های جدید با توجه به نیاز زمانه، برجسته‌سازی و مستند نمودن این نشانه‌ها با روایات متنوع، مفصل‌بندی آنها با دال خالی غیبت و جایگزین نمودن این وقته‌ها به جای دال‌های رایج در پیوند با دال مرکزی گفتمان تشیع امامی در متون مورد بررسی، تبیین می‌گردد.

غیبت امام زمان (عج) و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری شیعیان امامی تا نیمه‌ی اول قرن پنجم هجری

بی‌شک هیچ‌کس گمان نمی‌کرد که اختلاف ایجاد شده در امر وکالت مالی امام هادی (ع) در اواخر عصر حضور، میان فارس بن حاتم و علی بن جعفر همانی - که با علنی شدن فساد عقیده و دعوت شیعیان به بدعت از سوی فارس، در نهایت به قتل او به دستور امام (ع) منتهی شد^۱ - تا بدانجا گسترده شود که با وفات آن حضرت، به بحرانی دیگر در گفتمان تشیع امامی دامن زند. بحرانی که با تبلیغ امامت جعفر برادر امام حسن عسکری (ع) پس از وفات امام هادی (ع)، از سوی حامیان فارس^۲ آغاز شد، با اهانت‌های فراوان آنها و اتهام کفر به امام (ع) و سوژه‌های حامی ایشان ادامه یافت^۳ و به دشمنی شدید میان هواداران جعفر و شیعیان امام عسکری (ع) انجامید.^۴ ادامه‌ی این اقدامات باعث شد که امام (ع) از

۱. محمد بن عمر کشی (۱۳۴۸)، *اختیار معرفه الرجال*، تصحیح سید حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، ص ۵۲۵-۵۲۳.

۲. در اختلاف میان همانی و فارس، جعفر برخلاف امام هادی (ع) و برادر خود امام حسن (ع)، از فارس جانبداری می‌کرد و این امر در گرایش طرفداران فارس به او نقش اساسی داشت. صدوق (۱۳۹۵)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران: الاسلامیه، ج ۱، ص ۵۸؛ مفید (بی‌تا)، *فصول المختاره من العیون و المحاسن (مجالس)*، گردآوری و تنظیم شریف مرتضی، نجف: بی‌نا، ج ۲، ص ۹۷. بدین ترتیب پس از وفات امام هادی (ع) و وقایعی که به قتل فارس منتهی شد، حامیان او این نظریه را مطرح کردند: محمد که پس از امام هادی (ع) جانشین ایشان بوده است؛ پیش از مرگ، جعفر را به عنوان جانشین خود معرفی کرده است و بنابراین اکنون جعفر و نه امام حسن عسکری (ع) امام است. حسن بن موسی نوبختی (۱۳۵۵ق)، *فرق‌الشیعه*، تصحیح محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مطبعه الحیدریه، ص ۱۰۷-۱۰۶.

۳. همان، ص ۱۰۸.

۴. تخاصم و حاشیه‌رانی دو طرف از یک‌سو و اعمال ناشایست جعفر از سوی دیگر باعث شد تا دراز مدت باورهای همچون شرب خمر و نیز ترک نماز از سوی او برای یادگیری سحر در میان شیعیان امامی

تاریخ‌نگاری شیعیان امامی مذهب در آغاز دوره‌ی غیبت کبری ۹۱

جعفر کناره‌گیری کرده و ارتباط خود را با او قطع کنند؛^۱ اما این واکنش‌ها نیز از تخاصم جعفر نکاست. بخصوص آنکه نبود فرزندی ظاهری برای امام حسن (ع)، زمینه را برای ادامه‌ی ادعای او و بحران‌آفرینی در گفتمان تشیع امامی فراهم می‌کرد.^۲ با درگذشت ابامحمد، شروع غیبت صغری، جعفر نهایت کوشش خود را برای بهره‌گیری از این شرایط به کار برد. او کوشید تا با طرح نظریه‌ی امامت خود پس از امام حسن (ع) و جلب شیعیان آن حضرت،^۳ به بازسازی مجدد فضای آرمانی جامعه‌ی شیعه پرداخته و عینیت را به این گفتمان بازگرداند. او در این راه حتی از بازجویی کنیز امام (ع) که گفته می‌شد باردار است نیز خودداری نکرد^۴ و با طرح شکایت به خلیفه‌ی وقت و تقاضای تقسیم میراث برادرش،^۵ به تثبیت باور عدم وجود وارثی برای امام عسکری (ع) پرداخت. همانطور که با حضور نزد

گسترش یابد. نک: کمال‌الدین، ج ۱، ص ۴۲؛ محمد بن حسن طوسی (۱۳۸۶)، *الغیبه*، قم: مسجد جمکران، ص ۵۱۳، ۴۰۷. تردید در پذیرش این اعمال در زمان ادعای امامت او از سوی نگارنده، بدان علت است که بزرگانی همچون علی بن حسن بن فضال از دانشمندان برجسته‌ی شیعه در کوفه، امامت او را پذیرفته و به یاران او پیوسته‌است. (این استناد با توجه به حساسیت‌های کلی یک عالم شیعی در قبول امامت یک فرد و نادیده گرفتن باور این عالم فطحنی به امکان انتقال امامت از برادری به برادر دیگر است.) هرچند نمی‌توان انجام این امور را قبل از این دوران به طور کلی منتفی دانست. نک: سید حسین مدرسی طباطبایی (۱۳۸۶)، *مکتب در فرآیند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران: کویر، ص ۱۴۸. ضمن آنکه در منابع امامی نیز با نقل روایاتی به ناخردسندی امام حسن (ع) از تولد جعفر اشاره شده‌است. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۴۳۷؛ *الغیبه*، ۱۳۸۶، ص ۴۰۶.

۱. *فرق الشیعه*، ص ۹۸-۹۹.

۲. طوسی به وصایت ایشان به مادرشان اشاره کرده‌است. *الغیبه*، ص ۴۱۳.

۳. در این خصوص می‌توان به نامه‌ای اشاره کرد که جعفر به ابوعلی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، یکی از امامیان پرنفوذ قم نوشت و او را به امامت خویش دعوت کرد. این اقدام او با ارسال نامه‌ی جعفر به نزد اولین نایب امام زمان (عج) بی‌نتیجه ماند. چراکه در پاسخ او به ادعای کذب جعفر و عدم صلاحیت او برای امامت شیعیان به تفصیل اشاره شده‌است. *الغیبه*، (۱۳۸۶)، ص ۵۰۸-۵۱۵.

۴. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲؛ شیخ مفید (۱۴۱۳)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۳۶.

۵. کمال‌الدین، همان، ص ۴۳.

متنفذین دستگاه حاکم^۱ و درخواست برای به رسمیت شناختن مقام امامت او و تعهد برای پرداخت بیست هزار دینار در هر سال در مقابل این اقدام،^۲ نهایت کوشش خود را به منظور شناخته شدن به عنوان دال مرکزی گفتمان تشیع امامی به کار برد.

در مقابل و در همین دوران، با وجود فشار فراوان بر شیعیان امامی از سوی گفتمان حاکم، عثمان بن سعید عمری با تظاهر به عدم برجا ماندن فرزندی از امام(ع)، برای حفظ جان ایشان در نخستین گام^۳ و سپس رفع تدریجی تردید از خواص شیعه در خصوص تولد و امامت امام زمان(عج)،^۴ با تأکید بر دیدار با آن حضرت،^۵ اعلام نهی شدن از ذکر نام امام(عج) برای حفظ جان ایشان^۶ و برجسته سازی عدم امکان انتقال امامت از برادری به برادر دیگر،^۷ به حاشیه رانی ادعای جعفر و کوشش برای تثبیت باور ادامه ای امر امامت در فرزند امام حسن عسکری(ع) پرداخت. اگرچه محمد بن عثمان نیز با ادامه ای راه پدر پس از وفات ابوعمر و (بعد از ۲۶۷) و در دست گیری نیابت شیعیان،^۸ نهایت کوشش خود را

۱. جعفر با حضور در نزد عبیدالله بن یحیی بن خاقان که فردی صاحب نفوذ بود، تقاضای خود را مطرح کرد. همان، صص ۴۳-۴۴.

۲. همانجا؛ /الارشاد، صص ۳۳۶-۳۳۷.

۳. الغیبه، (۱۳۸۶) ص ۶۲۷.

۴. حلبی آورده است که بلافاصله پس از وفات امام حسن عسکری(ع)، خواص اصحاب ایشان به ریاست عثمان بن سعید عمری به شیعیان اعلام کردند که امام(ع) فرزندی از خود به جای گذاشته است که عهده دار امر امامت پس از ایشان است. (تقی الدین بن نجم الدین حلبی، (۱۴۰۴)، تقریب المعارف، تصحیح رضا استادی، قم: [بی جا]، ص ۱۸۵؛ در کتاب ارشاد تنها روایتی از عمری در خصوص وجود امام زمان(عج) آمده است و به زمان اعلام آن اشاره ای نشده است. /الارشاد، صص ۳۴۹-۳۵۰). با این حال به نظر می رسد که اقوال موجود در خصوص محدود بودن اطلاع از وجود فرزندی برای ایشان به خواص امام(ع) در آغاز دوره ی غیبت صحیح تر است. نک: الغیبه (۱۳۸۶)، صص ۴۴۹-۴۹۹.

۵. الغیبه (۱۳۸۶)، صص ۶۲۷، ۶۲۱-۶۲۰، ۶۱۷-۶۱۶.

۶. همان، صص ۶۲۷، ۶۱۶-۶۱۷. در کتاب کمال الدین بابی جدا به این امر اختصاص یافته است. نک: ج ۲، ص ۶۴۸.

۷. همان، صص ۵۱۵-۵۱۴، ۴۰۵-۴۰۳.

۸. طوسی متن توقیعی را که در آن حضرت ولی عصر(عج) وفات ابوعمر و را به محمد بن عثمان تسلیت گفته و در آن به جانشینی و نیابت او به جای پدر اشاره شده است را آورده است. /الغیبه، صص ۶۲۸-۶۲۹.

تاریخ‌نگاری شیعیان امامی مذهب در آغاز دوره‌ی غیبت کبری ۹۳

برای جلوگیری از فروپاشی انسجام درون‌گروهی شیعیان امامی به کار برد، با این‌حال ادامه‌ی سخت‌گیری‌های حاکمیت بر شیعیان امامی مذهب و مشکلات پیش آمده درخصوص پذیرش نیابت ایشان از سوی افرادی همچون احمد بن هلال عبرتایی^۱ بر بی‌قراری موجود در گفتمان امامی افزود. البته با درگذشت زود هنگام عبرتایی^۲، جایگاه ابوجعفر به عنوان نایب دوم امام زمان(عج) تثبیت شد و روی کار آمدن معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹)^۳ و سپس فرزند او مقتدر (۲۹۵-۳۲۰)^۴ نیز شرایط را برای شیعیان امامی سهل‌تر از گذشته کرد، اما با ادامه‌ی ادعای امامت در فرزندان جعفر، پس از او^۵ و گروه شیعیان امامی به این مدعیان، به دلیل برخورداری نظریه‌ی امامت آنها از قابلیت دسترسی؛ بی‌قراری ایجاد شده در گفتمان تشیع امامی و تخاصم دو گروه برای تثبیت هژمونی خود بر جامعه‌ی شیعه ادامه یافت.

با وجود آنکه مطالعه‌ی اخبار موجود از وضعیت شیعیان امامی در این دوره، این باور را

۱. الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۶۹۱.

۲. نجاشی وفات عبرتایی را در ۲۶۷ هجری می‌داند. احمد بن علی نجاشی (۱۴۰۷)، *الرجال*، قم: جامعه مدرسین، ص ۸۳.

۳. ابن طقطقی در کتاب خود به ملاطفت‌های معتضد با آل علی(ع) اشاره کرده‌است. ابن طقطقی (۱۳۶۷)، *تاریخ فخری در آداب ملک‌داری و دولت‌های اسلامی*، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۳۵۱.

۴. سیاست معتدل مقتدر عباسی در مقابل شیعیان و نفوذ خاندان‌های شیعی‌ای همچون آل فرات و آل نوبخت در ارکان گفتمان حاکم به گونه‌ای بود که غیرهای خارجی‌ای همچون برهاریان - که یکی از قدرت‌مندترین و متعصب‌ترین گروه‌های حنابله‌ی بغداد بودند- کوشیدند تا با توطئه علیه مقتدر و کوشش برای جانشینی ابن معتز به جای او، از تغییر توازن قدرت به سود گفتمان تشیع و افزایش نفوذ خاندان‌های شیعی در مناصب حکومتی و گفتمان حاکم بکاهند. ابن اثیر (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر- داربیروت، ج ۸، ص ۱۹-۱۴.

۵. پس از جعفر، حامیان او به فرزندش، ابوالحسن علی رجوع کردند (فخرالدین محمد بن عمر رازی (۱۴۰۹)، *الشجره المبارکه*، به کوشش مهدی رجائی، قم: بی‌نا، ص ۸۰، ۷۹). و پس از مرگ او نیز امامت در این خاندان ادامه یافت. نک: علی بن محمد عمری (۱۴۰۹)، *المجدی فی انساب الطالبیین*، تصحیح احمد مهدوی دامغانی، قم: بی‌نا، ص ۱۳۵.

در خواننده ایجاد می‌کند که با عدم ظهور امام(عج) در انتهای قرن سوم - بنا بر انتظار برخی از شیعیان امامی مذهب^۱ - جوی از تردید، تحیر و سرگردانی بر جامعه‌ی امامی چیره بوده‌است؛ اما به نظر می‌رسد که در همین زمان، برخی از امامیه نیز به ظهور ایشان پس از مساعد شدن شرایط لازم باور داشته‌اند و غیبت هنوز به عنوان مسأله و امری بحران آفرین در نظرشان مطرح نبوده‌است. هر چند می‌توان این فرض را نیز مطرح کرد که التهاب و نگرانی شیعیان بیشتر در منطقه‌ی عراق و خاصه بغداد مهد تخاصم، رقابت‌های میان فرقه‌ای و محل حضور نواب خاصه و اعقاب جعفر کذاب بوده است. شاهد این مدعا، آثار تاریخی‌ای هستند که در دهه‌های آخر قرن سوم در خارج از عراق به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند و مؤلفان آنها بیش از بازنمایی امر غیبت به عنوان مسأله و مشکل زمانه‌ی خود، در پی باری‌رسانی به تثبیت مواضع کلامی شیعه در متون خود و مفصل‌بندی این نشانه‌ها به دال مرکزی گفتمان تشیع امامی بوده‌اند.^۲

با آغاز قرن چهارم هجری، وفات نایب دوم امام زمان(عج) و شروع نیابت حسین بن روح نوبختی، عملکرد مدبرانه‌ی او از یک سو^۳ و ادامه‌ی تساهل مقتدر با شیعیان و نیز نفوذ حسین بن روح در دستگاه خلافت از سوی دیگر، زمینه‌ی بهبود وضعیت شیعیان را فراهم آورد. با این حال، حمایت خاندان فرات از محمد بن نصیر نمیری^۴ - که فعالیت خود را در دوره‌ی نیابت محمد بن عثمان آغاز کرده بود - و نیز انحراف محمد بن علی شلمغانی و حمایت خاندان‌های آل فرات و آل بسطام از او، نوبختی را در راه انسجام‌بخشی به گفتمان

۱. روایات فراوانی وجود دارد که بر این نکته تأکید می‌کنند که امام(عج) در زمان ظهور، ظاهر مردی حدوداً چهل ساله را دارند. به عنوان نمونه نک: محمد بن ابراهیم نعمانی(۱۳۹۷)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق، ص ۱۹۰. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر نک: لیلا نجفیان رضوی، «تکوین، تحول و تداوم تاریخ‌نگاری تشیع امامی از آغاز تا سال ۶۵۶ هجری»، رساله دکترا به راهنمایی حسن حضرتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

۳. *الغیبه*، (۱۳۸۶)، صص ۶۷۰-۶۶۷.

۴. نمیری از حمایت محمد بن موسی بن حسن بن فرات برخوردار بود. همان، ص ۶۸۹.

امامی و تثبیت باور غیبت امام زمان (عج) با مشکلات فراوانی مواجه کرد.^۱ در چنین شرایطی، حضور متکلمان برجسته‌ای همچون ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی (۲۳۷-۳۱۱) در بغداد و حمایت او از گفتمان تشیع امامی در مقابل فرق و جریان‌های کلامی‌ای همچون غلات؛ معتزله و مجبره و نگارش آثاری در حاشیه‌رانی آرا آنها، در کاهش بحران موجود در گفتمان تشیع امامی و ممانعت از تزلزل معنایی در وقته‌های تثبیت شده در این گفتمان در مواجهه با غیرهای داخلی و خارجی تأثیری فراوان داشت.^۲

علاوه بر ابوسهل، در دوران نیابت حسین بن روح و جانشین او علی بن محمد سمري، کوشش برای تثبیت آرا شیعیان امامی و نهادینه کردن امر غیبت، علاوه بر بغداد، در مکاتب ری و قم نیز توسط محدثان و متکلمان امامی مذهب اهل قلم ادامه یافت. در واقع می‌توان گفت که طولانی شدن امر غیبت و تشدید بی‌قراری، تردید و تحیر سوژه‌های حامی گفتمان امامی از یک سو^۳ و ایجاد شبهه پیرامون ابعاد مختلف مسأله‌ی غیبت توسط غیرهای داخلی (زبدیه^۴ و گفتمان حامی جعفر کذاب) و نیز خارجی (معتزله)^۵ از سوی دیگر، باعث شد تا

۱. طوسی در کتاب *الغیبه‌ی خود به تفصیل آرا و عقاید انحرافی این ابی عزافر و توقیعی که در نهایت در لعن او صادر شد* را آورده است. نک: همان، ص ۶۹۹-۷۱۵.

۲. برای اطلاع از آثار ابوسهل که در رد غیرها و گفتمان‌های رقیب نگاشته است، نک: الرجال، ص ۳۲-۳۱.

۳. عنوان کتاب علی بن حسین بن بابویه (م ۳۲۹) *الامامه و التبصره من الحیره و مقدمه‌ای که او بر این کتاب نگاشته و در آن به شک و سرگردانی شیعیان نسبت به مبانی مذهب امامیه، به دلیل طولانی شدن غیبت اشاره کرده است، وضعیت شیعه در اواخر دوره‌ی غیبت صغری را آشکار می‌سازد. نک: علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۹۸۷)، الامامه و التبصره من الحیره، تصحیح محمدرضا حسینی جلالی، بیروت: بی‌نا، ص ۱۴۲.*

۴. یکی از عالمان بزرگ زیدی که با آثارش نقش برجسته‌ای در ایجاد شبهه و حاشیه‌رانی آرا شیعیان امامی در مسأله‌ی غیبت داشته، ابوزید علوی (م ۳۲۶) بوده است. او با نگارش کتاب *الاشهاد به طرد وقته‌ی پایان امر امامت و محدود شدن تعداد ائمه در گفتمان امامی پرداخته است. صدوق بدون ذکر نام، به نقل شبهات او در خصوص مسأله‌ی غیبت و پاسخ ابن قبه به این شبهات در قالب کتاب النقص والاشهاد پرداخته است. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۲۶-۹۴.*

۵. مکتب در *فرآیند تکامل*، ص ۲۴۷-۲۴۱، ضمیمه اول.

بزرگانی همانند ابن قبه رازی (م. قبل از ۳۱۹)^۱ و کلینی (م ۳۲۹) با خلق آثار کلامی و حدیثی - تاریخی، نهایت کوشش خود را برای جلوگیری از لغزش در معانی دال‌های مفصل‌بندی شده، به گفتمان تشیع امامی به کار بندند.

با درگذشت آخرین نایب امام زمان (عج)، عدم ظهور ایشان و به تعویق افتادن آن تا زمانی نامعلوم و نیز پایان امکان ارتباط شیعیان با آن حضرت، بار دیگر در گفتمان تشیع امامی بحران بالا گرفت. نعمانی درخصوص این بی‌قراری و حیرت شیعیان امامی، در کتاب خود آورده است: «کدام حیرانی از این بالاتر است که مردم بسیار و گروه‌های فراوانی از زیر بار این امر بیرون رفته‌اند و به جز اندکی باقی نمانده‌اند. یقین‌شان ضعیف گشته است. در گرفتاری سختی که برای افراد مخلص، بردبار، ثابت قدم و راسخان در علم آل محمد پیش آمده است، کمتر کسی است که ثابت قدم مانده باشد. [...]»^۲ بی‌شک انکار وجود امام زمان (عج)،^۳ پیوستن شیعیان امامی مذهب به سایر گفتمان‌های رقیب و غیرهای داخلی،^۴

۱. ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی، از متکلمین برجسته‌ی اواخر دوره‌ی غیبت صغری بوده است. او ابتدا معتزلی بود؛ اما سپس به امامیه گروید. آثار او در تثبیت آرا کلامی تشیع امامی تأثیر فراوانی داشته‌است. صدوق با نقل برخی از آثار او در کتاب *کمال‌الدین* خود و بهره‌گیری از شیوه‌ی استدلالی او در پاسخ به شبهات موجود درخصوص امر غیبت، در ماندگاری این آثار تأثیرگذار بوده‌است. (نک: محمد کاظم رحمتی، «چند نکته درباره کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه شیخ صدوق»، کتاب ماه دین، ش ۸۴-۸۳، شهریور ۱۳۸۳، ص ۵۴-۵۲). به عنوان نمونه کوشش او برای تثبیت وقته‌ی نص در گفتمان تشیع امامی و استفاده از آن برای اثبات غیبت امام زمان (عج) را در پاسخ به شبهات یکی از سوزده‌های حامی جعفر کذاب در این کتاب جالب توجه است. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۳۵؛ مکتب در *فرآیند تکامل*، ص ۲۴۹-۲۴۷، ضمیمه دوم.

۲. *الغیبه*، (۱۳۹۷)، ص ۱۸۶.

۳. صدوق در کتاب *کمال‌الدین*، ضمن آوردن گفتگوی خود با فردی از اهالی بغداد، به حیرت و بازگشت شیعیان امامی از عقیده به امامت امام زمان (عج) اشاره کرده‌است. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۱۷-۱۶. نعمانی نیز در مقدمه‌ی کتاب خود به شک و تردید شیعیان امامی درخصوص امام زمان (عج) اشاره کرده‌است. *الغیبه*، (۱۳۹۷)، ص ۱۰.

۴. برخی روایات موجود در کتبی که درخصوص مسأله‌ی غیبت نگاشته شده‌اند، به پیش‌بینی ائمه درخصوص انحراف اکثریت و یا دو سوم شیعیان امامی از باور غیبت اشاره دارند. *الغیبه*، (۱۳۹۷)،

تاریخ‌نگاری شیعیان امامی مذهب در آغاز دوره‌ی غیبت کبری ۹۷

راه‌یابی تردید در میان بزرگان امامی^۱ و افزایش روز به روز خصومت و درگیری درون‌گروهی در میان سوزه‌های دارای هویت امامی^۲ در برانگیختن فقها، محدثان، متکلمان و اندیشمندان برجسته‌ی امامی در نگارش آثاری با هدف بازگرداندن عینیت و پر کردن دال خالی غیبت در گفتمان تشیع امامی تأثیر بسزایی داشته است. از این رو، اندکی پس از آغاز غیبت کبری، جریانی در تاریخ‌نگاری تشیع امامی شکل گرفت که ضمن آن، این‌نخبگان علمی به تألیف آثاری با عنوان و یا موضوع غیبت پرداختند. آنان کوشیدند تا با استفاده از نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان (عج) و مفصل‌بندی دوباره‌ی نشانه‌ها پیرامون دال خالی غیبت، فضایی آرمانی در گفتمان امامی ایجاد کنند و بدین شیوه، این گفتمان را برای تبدیل

ص ۲۰۲؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۶). همچنین گزارش‌هایی درخصوص گرایش افراد امامی مذهب به غیرهای داخلی گفتمان امامی همچون اسماعیلیه و زیدیه در منابع وجود دارد. در این خصوص، می‌توان از ابن هیثم نام برد که در اواخر قرن سوم، از امامیه به اسماعیلیه گروید. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۶)، تثبیت دلائل النبوه، تحقیق عبدالکریم عثمان، بیروت: دارالعریبه، ص ۳۹۰. و یا ابوزید احمد بن سهل بلخی (م ۳۲۲) که ابتدا امامی بود؛ اما پس از مدتی به زیدیه گروید. (ابوحیان توحیدی، ۱۹۳۹)، الامتاع و الموانسه، تصحیح احمد امین، قاهره: بی‌نا، ج ۲، ص ۱۵ به نقل از مکتب در فرآیند تکامل، ص ۱۸۶) برخی از امامیان نیز به فرق غالی و نیز غیرخارجی گفتمان تسنن پیوستند. (محسن بن علی تنوخی، ۱۹۷۱م)، نشوارالمحاضره، تصحیح عبود شالجي، بیروت: بی‌نا، ج ۸، ص ۷۰).

۱. صدوق در مقدمه‌ی کتاب کمال‌الدین آورده است که یکی از عللی که موجب نگارش این کتاب شد، دیدار او در نیشابور با نجم‌الدین بوده است. او در این دیدار به صدوق گفته است که یکی از بزرگان فلسفه و منطق بخارا سخنی درباره‌ی طول غیبت و بی‌خبری از امام زمان (عج) گفته که او را به شک انداخته است. صدوق با استدلال‌های خود، او را آرام می‌کند و به او قول می‌دهد که پس از بازگشت به ری در این خصوص، کتابی تألیف نماید. کمال‌الدین، ج ۱، صص ۲-۴.

۲. نعمانی در باب دوازدهم کتاب خود که به تحقق پیش‌بینی‌های ائمه درخصوص عاقبت گفتمان امامیه در امتحان غیبت پرداخته است، روایاتی را آورده است که در آن ائمه به افزایش اختلافات درون‌گروهی امامیه تا بدان حد که یکدیگر را لعن کرده و به دروغ‌گویی متهم می‌کنند و تا بدانجا پیش می‌روند که یکدیگر را تکفیر کرده و آب دهان بر صورت یکدیگر می‌اندازند، اشاره کرده‌اند. (الغیبه، ص ۲۱۰، ۲۰۶، ۲۶) او همچنین روایاتی را پیرامون جدایی شیعیان خالص از ناخالص در این دوره نقل کرده است. همان، صص ۲۱۱، ۲۰۹-۲۰۴، ۲۰۲-۲۰۱، ۱۹۱.

شدن نظریه‌ی وجود امام عصر(عج) به تصویری اجتماعی (گفتمان مسلط) یاری نمایند. نعمانی با نگارش کتاب *الغیبه*، صدوق با *تحریر کمال‌الدین*، مفید با *تدوین‌ارشاد* و نیز طوسی با نوشتن *الغیبه* - در مدت زمانی که بیشتر از یک قرن به طول انجامید - با بهره‌گیری از باورهای کلامی رایج و وقته‌هایی که پیش از این به دال مرکزی گفتمان تشیع امامی، مفصل‌بندی شده بود و نیز جمع‌آوری روایات موجود در کتب روایی و آشنا با ذهنیت تاریخی جامعه، که پیشتر گفتمان‌های رقیب ایشان همچون اسماعیلیه برای اثبات غیبت امامان خود از آنها بهره می‌گرفتند، در دستیابی گفتمان تشیع به این مهم نقش بسزایی داشتند.

چگونگی تبدیل نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان(عج) به تصور اجتماعی^۱

اگرچه آثار نعمانی، صدوق، مفید و طوسی که با توجهی ویژه بر موضوع غیبت، به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند، تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارند؛ نقطه‌ی اشتراک آنها را می‌توان در کوشش مؤلفان این آثار برای دستیابی به قابلیت دسترسی و اعتبار، به منظور تبدیل نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان(عج) به تصویری اجتماعی دانست. تصویری که بر افق ذهنی سوژه‌ها مسلط شده و هژمونی یک گفتمان را به دنبال دارد.

نبود گفتمان رقیب مسلط در میدان رقابت، داشتن ادبیات و زبانی ساده و مطرح بودن به عنوان دسترس‌ترین جایگزین برای رهایی از بحران، ویژگی‌هایی است که یک نظریه برای دستیابی به قابلیت دسترسی می‌بایست از آنها برخوردار باشد. بنابراین، وجود فعالیت‌های حاشیه‌رانِ غیرهای داخلی و خارجی‌ای همچون زیدیه، اسماعیلیه، جریان‌های تسنن اعتزالی و... باعث شد تا مؤلفان امامی برای برخورداری از قابلیت دسترسی در گام نخست، با نقل روایاتی درخصوص «منصوص بودن امامت امام زمان(عج) از سوی پیامبر(ص) و ائمه»،^۲ «حصر امامت در عدد دوازده»^۳ و نیز

۱. صفحاتی که برای مستندسازی این قسمت از مقاله از چهار کتاب مورد بررسی آورده شده‌است به عنوان نمونه بوده و تنها صفحات مرتبط با موضوع نیستند.

۲. *الغیبه*، (۱۳۹۷)، ص ۶۳-۶۲، ۵۸-۶۰، ۵۱-۵۷؛ *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۵۶، ۱۱۵، ۸۹، ۸۱، ۲۲-۲۰؛ *ارشاد*، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۳۹، *الغیبه*، (۱۳۸۶)، ص ۵۰۶-۵۰۵، ۴۸۰-۴۷۹، ۲۹۶-۲۹۲، ۷۷.

۳. *الغیبه*، (۱۳۹۷)، ص ۱۲۷-۱۱۶، ۱۰۱-۵۷؛ *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۳۸۴-۲۵۰؛ *ارشاد*، همانجا؛ *الغیبه*، (۱۳۸۶)، ص ۳۱۱-۲۸۶. به عنوان نمونه، می‌توان به حدیث لوح حضرت فاطمه(س) اشاره کرد که هر چهار

«وجود معمرین»^۱ و پیوند زدن این نشانه‌ها با دال خالی غیبت، تمرکز خود را بر روی شاخصه‌ی ادبیات ساده و قابل فهم بودن نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان(عج) قرار دهند و علاوه بر کوشش برای اثبات وجود امام زمان(عج)، به حاشیه‌رانی غیرهای داخلی‌ای همچون زیدیه، اسماعیلیه و حتی فطحیه بپردازند. در این راستا، آنان در نوشته‌های خود به ذکر شواهد فراوان از قرآن، تاریخ و داستان‌های عامیانه و رایج در میان مردم درخصوص وجود معمرین پرداختند و بدین ترتیب ذهنیت شیعیان امامی را برای پذیرش امکان طولانی شدن عمر افراد آماده کردند. آنها همچنین به دلیل مطرح نبودن نظریه‌ی وجود و غیبت امام زمان(عج) - بخصوص در دوره‌ی غیبت کبری- به عنوان در دسترس‌ترین جایگزین برای رفع بی‌قراری از گفتمان تشیع امامی، پس از کوشش اولیه در متون روایی - تاریخی خود برای اثبات وجود امام عصر(عج)، از روایاتی که به نشانه‌ها^۲، شرایط شیعیان و جامعه پس از ظهور^۳ و حتی مدت زمان حکومت آن حضرت اشاره داشتند،^۴ برای ساخت فضایی آرمانی در افق ذهنی سوزدها استفاده کردند. بهره‌گیری از این روایات این امکان را برای این مؤلفان فراهم آورد که باور به قطعیت ظهور امام زمان(عج) را با باور به وجود و زنده بودن ایشان پیوند زنند و با برجسته‌سازی آرمان دیرینه‌ی شیعیان امامی، برای تشکیل حکومت، حذف کلیه‌ی گفتمان‌های رقیب و برپایی جامعه‌ای آرمانی؛ گفتمان تشیع امامی را در شرایط بی‌قراری فراگیر، قادر به برقراری نظم و ثبات در جامعه‌ی شیعه نشان دهند. ضمن آنکه نبود قید زمانی برای این دسته روایات، به طور غیرمستقیم در تثبیت باور

مؤلف برای تثبیت وقته «حصر تعداد ائمه در عدد دوازده» از آن بهره گرفته‌اند. الغیبه، (۱۳۹۷)، ص ۶۶-۶۲، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۶۹، ارشاد، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۳۸، الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۲۹۶-۲۹۲.

۱. بخش قابل توجهی از کتاب کمال‌الدین، به بیان وجود معمرین در میان مردم عادی اختصاص یافته‌است.

ج ۲، ص ۶۶۴-۵۳۶، ۵۲۳-۵۲۵؛ الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۲۷۸-۲۵۳.

۲. الغیبه، (۱۳۹۷)، ص ۲۸۸-۲۴۷؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۶-۶۴۹؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۶۸؛ الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۷۸۳-۷۴۵.

۳. در روایاتی که در این خصوص آمده است به مواردی همچون ظهور حق، استوار شدن عدالت، خوب شدن حال تمام بندگان خدا، پدید آمدن الفت میان دلها، معصیت نشدن در سراسر زمین، اقامه شدن حدود الهی، بازگشت حق به صاحبان آن و... اشاره شده‌است. نک: الغیبه، (۱۳۹۷)، ص ۳۲۰-۳۱۷؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۷؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۱؛ الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۷۸۳-۷۸۵.

۴. الغیبه، (۱۳۹۷)، ص ۳۳۲-۳۳۱؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶، ۳۸۱.

نامعلوم بودن زمان ظهور امام(عج) نیز تأثیرگذار بود.^۱

در روند استعاری سازی نظریه وجود و غیبت امام زمان(عج)، به کارگیری اصول بنیادین گفتمان امامیه^۲ در نوشته های مؤلفان متأثر از این گفتمان، بیشترین زمینه را برای دستیابی این نظریه به قابلیت اعتبار فراهم آورد. نویسندگان امامی مذهب با نحوه تاریخ نگاری خود و گزینش هوشمندانه ی روایات، نشانه هایی همچون «خالی نبودن زمین از حجت خدا»^۳، «عدم امکان امامت دو برادر»^۴ را به دال خالی غیبت مفصل بندی کردند و با استفاده از این دو شاخصه که از دیر باز در گفتمان تشیع امامیه مطرح بود، کوشیدند تا اعتبار نظریه ی خود را به سوژه های دارای هویت امامی خاطر نشان کرده و به حاشیه رانی ادعای جعفر کذاب و حتی افراد دارای گرایش های فطحی بپردازند. به عبارت دیگر اندیشمندان اهل قلم، برای رفع بحران غیبت و تجهیز نظریه ی خود به قابلیت اعتبار، با استفاده از دو وقتی «عدم امکان خالی ماندن زمین از حجت خدا» و «عدم امکان ادامه ی امامت در دو برادر» در تاریخ نگاری خود، به تثبیت این باور که دوازدهمین امام شیعیان در ضمن وجود، از انظار عمومی غایب است، در اذهان مخاطبان خود و سوژه های دارای هویت امامی پرداختند.

۱. البته در برخی از این متون، به طور مستقیم نیز از نامعلوم بودن زمان ظهور آن حضرت سخن به میان آمده است. نک: الغیبه، (۱۳۹۷)، ص ۲۹۶-۲۸۸؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴؛ الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۷۳۸-۷۳۴.

۲. اصول و وقته هایی که طی سه قرن با مفصل بندی تدریجی نشانه ها به دال مرکزی گفتمان تشیع امامی در ذهنیت سوژه های دارای هویت امامی تثبیت شده بودند.

۳. الغیبه، (۱۳۹۷)، ص ۱۳۹-۱۳۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۰۱؛ رشاد، ج ۱، ص ۱۸۲؛ ج ۲، ص ۳۲۵؛ الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۴۰۳، ۳۹۷.

۴. نعمانی به طور مستقیم به این امر اشاره نکرده است؛ اما بابتی از کتاب خود را به تأکید امام صادق(ع) بر امامت امام کاظم(ع) و نفی رسیدن امامت به اسماعیل اختصاص داده است و از این راه به رد اسماعیلیه و اثبات عدم امکان امامت دو برادر پرداخته است. ص ۳۲۹-۳۲۴؛ کمال الدین، ج ۲، صص ۴۱۷-۴۱۴؛ الغیبه، (۱۳۸۶)، ص ۴۰۵-۴۰۳.

نتیجه

با نگاهی اجمالی به آنچه پیشتر آمد، می‌توان گفت که در متون تاریخی‌ای که در دو نیم قرن نخست پس از غیبت کبری، حول محور موضوع غیبت در گفتمان تشیع امامی به رشته‌ی تحریر درآمدند، دال خالی غیبت، جایگزین دال مرکزی این گفتمان یعنی ائمه‌ی شیعه شد و با مفصل‌بندی برخی نشانه‌های جدید همانند «منصوص بودن امامت ائمه از سوی پیامبر(ص) و امامان پیشین»، «حصر امامت در عدد دوازده»، «وجود معمرین»، «خالی نبودن زمین از حجت خدا»، «عدم امکان امامت دو برادر پس از حسین» و «ظهور، قدرت‌یابی و حکومت امام زمان(عج)» حول محور این دال و کوشش برای تثبیت آنها با مدلول‌های فراوان؛ نظریه‌ی وجود و غیبت امام عصر(عج) به تدریج استعاری شد و مولفان امامی مذهب با نگارش متون روایی - تاریخی در حفظ هویت گفتمان تشیع امامی سهیم شدند. به عبارت دیگر اندیشمندان این گفتمان، با کوشش برای ایجاد تصویری آرمانی از دال خالی غیبت، در ذهن سوژه‌های امامی با تاریخ‌نگاری خود، پس از گذشت بیش از یک قرن به تدریج توانستند از نظریه‌ی وجود و غیبت دوازدهمین امام شیعیان امامی مذهب، تصویری اجتماعی ایجاد کنند و با حاشیه‌رانی شبهات غیرهای داخلی و گفتمان‌های رقیب از یک‌سو، و ساختارشکنی نظریه‌های آنان در فضای گفتمانی دوران خود از سوی دیگر، به سهم خود در تبدیل دوباره‌ی گفتمان تشیع امامی، به گفتمان مسلط تأثیرگذار باشند و با طرد آرا کلیه‌ی جریان‌های انحرافی درخصوص غیبت، به حوزه‌ی گفتمان‌گونگی، امکان هویت‌یابی سوژه‌های متمایل به گفتمان تشیع امامی را با این گفتمان فراهم آورند.



فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر - داربیروت.
- ابن طقطقی، محمد بن طباطبا (۱۳۶۷)، *تاریخ فخری در آداب ملک‌داری و دولت‌های اسلامی*، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- تنوخی، محسن بن علی (۱۹۷۱م)، *نشوارالمحاضره*، تصحیح عبود شالجبی، بیروت: بی‌نا.
- توحیدی، ابوحیان (۱۹۳۹)، *الامتناع والموانسه*، تصحیح احمد امین، قاهره: بی‌نا.
- حسینعلی، مهدی، «کتاب الغیبه»، کتاب ماه دین، ش ۱۳۸، فروردین ۱۳۸۸، ص ۶۷-۶۲.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، *اسلام سیاسی در ایران*، قم: دانشگاه مفید.
- حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۴)، *تقریب المعارف*، تصحیح رضا استادی، قم: بی‌نا.
- خاندانی، قاسم (۱۳۹۲)، *مفید و تاریخ‌نگاری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رحمتی، محمد کاظم، «چند نکته درباره کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه شیخ صدوق»، کتاب ماه دین، ش ۸۴-۸۳، شهریور ۱۳۸۳، ص ۵۲-۶۱.
- صادقی، مصطفی (۱۳۸۵)، *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صدوق، علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۹۸۷)، *الامامه و التبصره من الحیره*، تصحیح محمدرضا حسینی جلالی، بیروت: بی‌نا.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۹۵)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تهران: الاسلامیه.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق (ره)»، فصلنامه تاریخ پژوهان، س ۳، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۰۷-۱۶۶.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۵، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۶، ص ۳۶-۷.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، «الارشاد و تاریخ‌نگاری زندگانی ائمه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۶، ش ۲۲، ۱۳۸۷، ص ۳۷-۷۶.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۶)، *الغیبه*، قم: مسجد جمکران.
- عکبری، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره جهانی مفید.
- عکبری، محمد بن محمد بن نعمان (بی‌تا)، *فصول المختاره من العیون و المحاسن (مجالس)*، گردآوری و تنظیم شریف مرتضی، علی بن حسین، نجف: بی‌نا.
- عمری، علی بن محمد (۱۴۰۹)، *المجدی فی انساب الطالبیین*، تصحیح احمد مهدوی دامغانی، قم: بی‌نا.
- کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین

تاریخ‌نگاری شیعیان امامی مذهب در آغاز دوره‌ی غیبت کبری ۱۰۳

پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۳۶۰-۳۳۹.

- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، رجال کشی، تصحیح سید حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- مدرسی طباطبائی، سید حسین (۱۳۸۶)، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران: کویر.
- نادری، مرتضی، «اعتبار و تداول کتاب الغیبه نعمانی»، سفینه، س ۱۰، ش ۳۷، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۸۷-۱۷۵.

- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷)، الرجال، قم: جامعه مدرسین.
- نجفیان رضوی، لیل، «تکوین، تحول و تداوم تاریخ‌نگاری تشیع امامی از آغاز تا سال ۶۵۶ هجری»، رساله دکترا به راهنمایی حسن حضرتی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغیبه، تهران: صدوق.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۵ق)، فرق الشیعه، تصحیح محمدصادق آل بحر العلوم، نجف: مطبعه الحیدریه.

- همدانی، عبدالجبار (۱۹۶۶)، تثبیت دلائل النبوه، تحقیق عبدالکریم عثمان، بیروت: دارالعربیه.
- هوارث، دیوید، «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، ش ۲، ۱۳۷۷، ص ۱۸۳-۱۵۶.

- یورگنسن، ماریان (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- Laclau, E, (1990), New Reflections on Revolution of our Time, London: Verso.
- Laclau, (Ed), (1994), The Marking of Political Identities, London: verso.